



در زمستان سال ۱۳۲۹ ق . صدای نوزادی در فضای خانه ساده آیت الله سید ابوالحسن طالقانی پیچید که نامش را محمود گذاشتند و پدرش پشت جلد قرآن نوشت:
سید محمود روز شنبه ، چهارم ربیع الاول ۱۳۲۹ ق . به دنیا آمد .

سید محمود دوران کودکی را تا ده سالگی در روستای گلیرد طالقان سپری نمود و همانجا خواندن ، نوشتن و مقدمات علوم اسلامی را فراگرفت.
او سپس همراه خانواده به تهران رفت که همزمان بود با دوران دیکتاتوری رضا شاه ، که از همان هنگام او را وارد میدان مبارزه کرد.

آقا سید ابوالحسن، پدر آیت الله طالقانی در منش و سیره فرزند بسیار موثر بوده است. او از یاران آیت الله حسن مدرس بود و در اواخر دوران سردار سپه‌ی رضا خان جلساتی علیه او برگزار می‌کرد. جلساتی که سرانجام به تعطیلی کشیده شد، اما آقا سید ابوالحسن همچنان ارتباطش را با مخالفان رضا شاه از جمله مدرس حفظ کرد و این ارتباط در دوران تبعید مدرس نیز از طریق نوشتن نامه بر روی کاغذ سیگار ادامه پیدا کرد. آقا سید ابوالحسن با وجود مراتب بالای علمی هیچ‌گاه از سهم امام ارتزاق نمی‌کرد و از طریق ساعت سازی امرار معاش مینمود.

در نوزده سالگی برای فراگیری بیشتر و دقیقتر علوم اسلامی به قم رفت و از دروس آیت الله حجت و آیت الله خوانساری بهره فراوان برد .

مدتی نیز برای بهره گیری از درس علمای برجسته نجف ، راهی آن مکان شد؛ اما دوباره به قم و مدرسه فیضیه برگشت.

آیت الله طالقانی پس از سالها تحصیل در قم ، از آیت الله حائری یزدی ، بنیانگذار حوزه علمیه قم ، اجازه اجتهاد گرفت و سپس راهی تهران شد و در مدرسه عالی سپهسالار به آموزش علوم اسلامی پرداخت.

روزی در چهار راه گلوبندک تهران ، بین زنی مسلمان و مامور دولت درگیری بوجود آمد که مامور سعی داشت چادر را از سر زن مسلمان برگیرد؛ ولی او مقاومت می کرد.

آیت الله طالقانی که از آنجا در حال عبور بود با صحنه کشمکش آنان روبرو گشت ؛ از این روز با مامور گلاویز شد و آن زن را از چنگش رها ساخت.

به دنبال این درگیری ، طالقانی را به جرم اهانت به مقامات بلند پایه کشوری بازداشت و به شش ماه زندان محکوم کردند .

با سقوط رضا شاه و بر سر کار آمدن شاه جوان و بی تجربه ، فضای فعالیتهای فرهنگی و سیاسی تا اندازه ای باز شد؛ در این هنگام آیت الله طالقانی برای آشنایی هر چه بیشتر نوجوانان و جوانان با معارف اسلامی ، به تشکیل کانون اسلام دست زد و برای فراگیر کردن فعالیت زیر بنایی اش به انتشار مجله دانش آموز از طرف کانون ، همت گماشت.

به دنبال پایه گذاری نهضت ملی نفت و حرکت یکپارچه مردم ، برای ستاندن حق خویش از انگلیس ، آیت الله طالقانی به قیام پیوست .

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، آنگاه که رژیم کودتایی جای پایش را محکم کرد و به انتقام جویی از فدائیان اسلام پرداخت ، آیت الله طالقانی آنها را در خانه اش پناه داد ولی با مشکوک شدن ماموران به منزل وی ، نواب صفوی و یارانش ، آنجا را ترک کردند. از این رو وقتی ساواک به آن خانه هجوم برد، کسی از فدائیان را در آن نیافت . با این حال آقای طالقانی را دستگیر و بازداشت کرد. اما چون مدرکی علیه وی بدست نیاورد، پس از مدتی آزادش نمود.

او در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ ش. نیز وقتی که نواب، مورد تعقیب قرار گرفت، وی را در روستاهای اطراف طالقان پناه داد.

در محیط خفقان ستم شاهی، مسجد هدایت، سنگر مبارزه آیت الله طالقانی علیه رژیم پلیسی پهلوی بود و حدود سی سال در آن مکان به سخنرانی می پرداخت.

پس از روی کار آمدن دوباره محمد رضا پهلوی با کودتای ۲۸ مرداد و به کمک سازمان جاسوسی آمریکا، عده ای از جمله آیت الله طالقانی با انگیزه مذهبی و ملی، برای ادامه دادن مبارزه، نهضت مقاومت ملی را بنیان نهادند.

نهضت، فعالیتهای پی گیری داشت تا این که در سال ۱۳۳۶ ش. ساواک با یورش سنگین، عده ای زیادی از اعضایش را دستگیر و زندانی کرد و به این ترتیب آقای طالقانی نیز دستگیر و روانه زندان گردید و بیش از یک سال در زندان بسر برد. او پس از آزادی به منظور ایجاد یک کانون مبارزه با هدف مذهبی و برای مخالفت آشکار با شاه و نزدیک کردن دو قشر دانشگاهی و حوزوی به یکدیگر، با همکاری عده ای نهضت آزادی را تاسیس کرد.

در تابستان ۱۳۳۹ ش. رژیم کودتا برای قانونی جلوه دادن حکومت و سلطه خویش در صدد برگزاری انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی به صورت فرمایشی بود که طالقانی در سنگر مسجد هدایت برای رو کردن دست بازیگران صحنه سیاسی کشور به سخنرانی پرداخت.

رژیم برای جلوگیری از رسوایی بیشتر درب مسجد هدایت را بست؛ از این رو محل سخنرانیها از مسجد به منزلی منتقل شده و دو روز آخر ماه صفر، آیت الله طالقانی و مطهری به بررسی مسائل سیاسی - اجتماعی و افشاگری علیه حکومت پرداختند.

سی ام تیرماه ۱۳۳۱ یادآور حماسه کم نظیر ملت ایران علیه دولت چهار روزه قوام بود که او را مجبور به استعفا کرد. به همین دلیل، پس از کودتای ۲۸ مرداد، رژیم برای محو آن روز از یادها تلاش بسیار کرد.

نه سال از آن حرکت ملت گذشت بود و آقای طالقانی در نظر داشت، آن شجاعت و فداکاری را در یادها زنده گرداند و سالگردی برای شهدای سی ام تیر برپا کند.

حکومت پهلوی، نخست با خارجی خواندن برگزار کنندگان آن، قصد جلوگیری از اجتماع مردم را داشت و چون از این ترفند سودی نبرد، در شب برگزاری مراسم در حرم حضرت عبدالعظیم، نیروهای امنیتی به شرکت کنندگان حمله برده، عده ای را دستگیر کردند و آیت الله طالقانی در اعتراض به این حمله، همراه دستگیر شدگان به شهربانی رفت و در آنجا نیز بر خلاف نظر رئیس شهربانی، با دیگران وارد زندان شد که پس از دو روز پلیس، با حيله ای او را از زندان خارج کرد.

در سال ۱۳۴۱ ش . به دنبال حرکت آیت الله خمینی علیه انقلاب سفید شاه ، آیت الله طالقانی نیز با خمینی همراه شد .

رژیم سر سپرده که مصمم به اجرای برنامه دیکته شده از سوی آمریکا بود، آقای طالقانی را دستگیر و روانه زندان کرد.

چند ماهی از دستگیری وی گذشت ، اما رژیم پهلوی در پی دستاویزی بود تا او را مدت طولانی تری در زندان نگه دارد. از این رو پیش از فرارسیدن ماه محرم ۱۳۴۲ ش . وی را آزاد کرد تا با توطئه ای جدید، دوباره او را راهی زندان کند؛ نقشه این بود که مقداری مواد منفجره را در خانه اش پنهان نماید، آنگاه او را به جرم تهیه و نگه داری مواد منفجره ، به عنوان یک شورشی تروریست دستگیر نموده ، به پای میز محاکمه بکشاند.

او در مسجد هدایت به بیان واقعیت‌های جاری کشور و آنچه در زندان می گذشت ، پرداخت و شاه را با انقلاب سفیدش مورد شدیدترین حملات قرار داد و با استفاده از سخنان حسین بن علی، مردم را به قیام علیه حکومت پهلوی فرا خواند.

سخنرانی او یازده شب ادامه یافت و چون آگاه شد که ساواک ، فراد شب تصمیمی به دستگیری اش دارد، به لواسانات رفت.

به دنبال دستگیری آیت الله خمینی در شب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ (شب دوازدهم محرم) و قتل عام مردم در روز پانزده خرداد، اعلامیه ای با عنوان ((دیکتاتور خون می ریزد)) در سرتاسر ایران منتشر شد .

ساواک ، آیت الله طالقانی را سبب انتشار اعلامیه دانست و در تعقیب او به لواسانات هجوم برد . طالقانی از اختفا بیرون آمد و خودش را تسلیم کرد و به این ترتیب دوباره در 23 خرداد 1342 دستگیر شد و بعد از چهار ماه بازداشت . در 30 / 7 / 1342 در دادگاه نظامی محاکمه گردید و پس از بارها محاکمه در 16 / 10 / 1342 به ده سال زندان محکوم شد.

او در زندان به برقراری جلسات تفسیر قرآن ، نهج البلاغه و تاریخ اسلام برای زندانیان مسلمان همت گماشت و برای ایجاد وحدت بین مبارزین مسلمان نخستین نماز جماعت را در زندان برپا نمود .

استقامت او در برابر شکنجه های ساواک ، مایه قوت قلب دیگر زندانیان بود.

سرانجام رژیم پلیس پهلوی بر اثر فشار افکار عمومی و واکنش‌های بین المللی به ناچار او را در سال ۱۳۴۶ ش . آزاد کرد.

او در سال ۱۳۵۰ نیز دستگیر و به مدت سه سال در شهر زابل تبعید شد و سپس به بافت اعزام و پس از مدتی آزاد شد.

آیت الله طالقانی از زمره کسانی بود که گامهایی برای اتحاد جهان اسلام برداشت . او در کنفرانسهای متعددی ، گاه به عنوان نماینده شخصیت‌هایی چون آیت الله کاشانی و بروجردی و گاه به طور مستقل ، شرکت نمود.

وی در حمایت از تاسیس دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه که توسط آیت الله بروجردی با همکاری استادان الازهر مصر بود بویژه شیخ محمد شلتوت ایجاد شده بود، نوشت:
راه تقرب ، که جمعی از علمای بیدار و مجاهد پیش گرفته اند همین است که با نور تفکر، محیط ارتباط اسلامی را روشن سازند و با نوک قلم ، باقیمانده ابرهای تاریک را از افق فکری مسلمانان زایل گردانند تا وحدت واقعی پایه گیرد، نه اتحاد صوری و قرار دادی .

در 1327/2/25 ش . همزمان با خروج آخرین سرباز انگلیس از خاک فلسطین ، بن گورین رئیس یکی از سازمانهای صهیونیستی ، خبر تاسیس دولت اشغالگر اسرائیل را اعلام کرد.
از آن تاریخ به بعد، تلاشهای گسترده ای در ابعاد مختلف برای حمایت از حقوق مردم فلسطین صورت گرفته است.

آیت الله طالقانی نیز از کسانی بود که هرگز در برابر این تجاوز، سکوت نکرد و در کنفرانسهای متعدد از حق ملت فلسطین دفاع کرد.

وی در خطبه نماز عید فطر سال ۱۳۴۸ ش . به مساله فلسطین پرداخت و ضمن آگاه کردن مردم از وضعیت مسلمانان فلسطین یادآوری مسؤولیت آنان در این مبارزه ، از آنها خواست تا فطریه خود را برای کمک به مبارزان مسلمان هدیه کنند.

با گسترش این حرکت نو، در سال بعد همگام با نمازگزاران مسجد هدایت ، نمازگزاران حسینیه ارشاد و تعدادی از مساجد با راهنماییهای آیت الله مطهری و عده ای دیگر، فطریه خود را به مبارزان فلسطینی هدیه کردند .

دستگاه حاکم آیت الله طالقانی را در پاییز ۱۳۵۴ بار دیگر دستگیر کرد.
آقای طالقانی دو سال بدون محاکمه ، سخت ترین شکنجه روحی و جسمی را در زندان تحمل نمود و در سال ۱۳۵۶ ش . رژیم برای جلوگیری از فشارهای بین المللی ، به جهت مشخص نبودن جرم و مدت محکومیت او، وی را با وجود کهولت سن و ضعف جسمانی به ده سال زندان محکوم کرد.
او سه سال را با بدترین شرایط در زندان گذارند. سلولش یک سلول کوچک و نور بود که حتی پنجره کوچک آن با رنگ سیاه آغشته بودند و در طول شبانه روز، فقط یک ساعت برای انجام نظافت وی را

به حیاط کوچک پشت زندان می بردند .

به دنبال عقب نشینی رژیم در مقابل موج اعتراضات مردم ، در پاییز ۱۳۵۷ ه ش . بسیاری از زندانیان سیاسی آزاد گردیدند که از آن جمله آیت الله طالقانی بود . او در هشتم آبان ۱۳۵۷ آزاد شد و در جمع انقلابیون پرشور قرار گرفت و در نخستین پیامش مردم را به وحدت و پیروی از رهبری یگانه آیت الله خمینی فراخواند .

محرم سال ۱۳۵۷ ش . (آذر ماه) لحظه حساس و سرنوشت سازی بود . طالقانی همگام با خمینی ، برای شدت بخشیدن به قیام مردم ، در اول محرم با بهره گیری از سخن آغازین حسین بن علی در نهضتش ، پیامی حماسی برای ملت ایران فرستاد که منجر به راهپیماییها و اعتصابات گسترده ای گردید .

او برای وارد کردن ضربات نهایی به پیکر رو به زوال حکومت پهلوی ، تصمیم گرفت همراه خمینی ، پیامی دیگر به مناسبت روز تاسوعا (نهم محرم) صادر کند و از این رو ، بدون توجه به اخطارهای پی در پی مقامات دولتی و حکومت نظامی مبنی بر منصرف شدن از فرستادن پیامهای انقلابی ، در روز چهارم محرم پیامی دیگر برای ملت ایران فرستاد و اعلام کرد که خود نیز در راهپیمایی روز تاسوعا شرکت خواهد نمود .

این اعلامیه همراه پیام خمینی و تاکید دیگر رهبران روحانیون ، غوغایی بپا کرد به طوری که در تهران حدود چهار میلیون نفر به خیابانها ریختند و حمایت خود را از رهبری خمینی و برقراری حکومت اسلامی اعلان نمودند .

پس از ورود آیت الله خمینی به ایران و به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی ، آیت الله طالقانی پشت سر ایشان قرار گرفت و بازویی توانا برای وی گردید و اطاعت از او را بر همه واجب می دانست ، بالاتر از اینها خمینی را نعمتی عظیم از جانب خداوند برای ملت ایران می شمرد و قدردانی نکردن از آن را سبب دچار شدن به عذاب الهی می دانست و گفت : این مخلص که نسبت به رهبری ایشان بارها و بارها نظر داده ام و رهبری قاطع ایشان را برای خودم پذیرفته ام و همیشه سعی کردم که از مشی این شخصیت بزرگ و افتخار قرن با اسلام ، مشی من خارج نباشد .

به دستور خمینی پیش نویس قانون اساسی جدید فراهم گردید و انتخابات مجلس خبرگان به منظور بررسی نهایی آن برگزار شد و آیت الله طالقانی به عنوان نماینده اول مردم تهران در مجلس خبرگان تعیین گردید .

با برپایی حکومت اسلامی، او برگزاری نماز جمعه در سرتاسر ایران را به خمینی پیشنهاد کرد که با موافقت وی، این مراسم در شهرهای ایران برگزار گردید. به این ترتیب نخستین نماز جمعه تهران به امامت آیت الله طالقانی در پنجم مرداد ۱۳۵۸ در دانشگاه تهران برپا شد و بیش از یک میلیون نفر در آن شرکت کردند. او هفت نماز جمعه را اقامه کرد که آخرین آن در بهشت زهرا، در شانزدهم شهریور سال ۱۳۵۸ بود.

آثار آیت الله طالقانی :

- پرتوی از قرآن که شامل تفسیر سوره های فاتحه، بقره، آل عمران، 22 آیه ابتدای سوره نساء و تمامی سوره های جزء سی ام قرآن است و در شش جلد منتشر گردید.
- مقدمه، توضیح و تعلیق بر کتاب تنبیه الامه و تنزیه الملة آیت الله نائینی
- اسلام و مالکیت.
- ترجمه جلد اول کتاب امام علی بن ابی طالب نوشته عبدالفتاح عبدالمقصود.
- به سوی خدا می رویم که سفر نامه حج است.
- پرتوی از نهج البلاغه.
- آینده بشریت از نظر مکتب ما.
- آزادی و استبداد.
- آیت حجاب.
- مرجعیت و فتوا.
- درسی از قرآن.
- درس وحدت.

او در ساعت 1/45 بامداد روز دوشنبه 1358/6/9 بدرود حیات گفت .

انبوه جمعیت پیکرش را برای خاک سپاری به بهشت زهرا بردند و صبح سه شنبه در میان شیون و ناله دوستدارانش، در خاک پنهان گشت و دولت یک روز تعطیل و سه روز عزاداری عمومی اعلام کرد. آیت الله خمینی غم خود را از آن حادثه در پیامش به ملت ایران چنین بیان کرد:
...آقای طالقانی یک عمر در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراند، او شخصیتی بود که از جسمی به جسمی و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و هیچ گاه در بهار بزرگ خود سستی و سردی نداشت من انتظار نداشتم که بمانم و دوستان عزیز و پیراج خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم

. او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود و زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر برنده بود و کوبنده . مرگ او زودرس بود و عمر او پربركت .

سعیده عاملی

[/http://www.mahnaaz.com](http://www.mahnaaz.com)



او در تاسیس نظام نه تنها بر ارتباط مستقیم حاکمان با توده ها تاکید داشت، بلکه با پیشنهاد ایجاد شوراها بر واگذاری امور به مردم صحه می گذاشت. طالقانی بر اساس همان آموزه های دینی نه به طبقاتی کردن جامعه می اندیشید و نه به دموکراسی نخبه گرا تکیه داشت. بی جهت نبود که به عنوان نماینده مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی هیچگاه بر صندلی های قرمز مجلس سنای سابق تکیه نزد که او آن صندلی ها را جایگاه کسانی می دانست که به خاطر قائل شدن حق و امتیاز ویژه برای خود به سرکوب مردم دست یازیدند.